



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ و تاریخ

www.ketab.ir

مقدمه	۱۱
-------	----

یکم

مبانی سینمای متعالی ۱۵

۱. هستی‌شناسی	۲۲
۲. انسان‌شناسی	۲۵
۳. معرفت‌شناسی	۲۸

دوم

مراحل رسیدن به درام‌های قرآنی | ۲۹

۱. تولید متن بصری	۳۱
۲. قرار دادن مخاطب در جهان داستان	۳۲
۳. ارائه‌ی بسته‌ی کامل معرفتی	۳۲
۴. تکمیل قصه‌های غیرخطی و پراکنده	۳۳

سوم

روش‌ها و منابع مورد نیاز برای فهم تاریخ | ۳۵

- شناخت رویکرد تاریخ قرآن ۴۰
- ۱. عبرت برای خردمندان ۴۰
- ۲. تاریخی و واقعی بودن قصه‌ها ۴۲
- ۳. تکرار تاریخ ۴۴
- ۴. برداشت توصیه از توصیف ۴۴
- ۵. بهی‌انگیز در جزئیات بی‌فایده ۴۶

چهارم

لوازم و بایسته‌های دیماتوری در نقل‌های تاریخی قرآن | ۴۹

- ۱. شناخت سنت‌های تاریخ ۵۱
- ۲. شناخت شیوه‌ی عملکرد سنت‌ها ۵۲
- ۳. شناخت ویژگی‌های انسان برای پرداخت شخصیت ۵۵
- ۴. شناخت سامانه‌ی باور انسان ۵۷
- ۵. شناخت ویژگی‌ها و جلوه‌های بروز حق و باطل ۶۱
- ۶. حاکمیت فرمول تشابه ۶۵
- ۷. شناخت کنش و واکنش‌ها و تناسب آن ۶۶
- ۸. فهم گفتمان تاریخی یک روایت قرآنی و دال مرکزی آن ۷۰
- سخن پایانی ۷۳

پی‌نوشت‌ها | ۷۵

إِذْ رَأَىٰ نَارًا وَآلَاءُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذْ يَأْتِيهِ النَّارُ وَالطَّلَاسُ ۖ سَبَّحُ لِلَّهِ الْمَلَأَتْ سُجُودًا لِلَّهِ
 أَزْوَاجًا ثَمَرًا ۚ إِذْ يَأْتِيهِ النَّارُ وَالطَّلَاسُ ۖ سَبَّحُ لِلَّهِ الْمَلَأَتْ سُجُودًا لِلَّهِ
 أَزْوَاجًا ثَمَرًا ۚ

هنگامی که آتشی دیدم، امیر که با او آمده بود، خود گفت درنگ کنید،
 زیرا من آتشی دیدم، امیر که با او آمده بود، خود گفت درنگ کنید،
 یا در پرتو آتش راه [خبر را باز] بیاورم.

سوره ی طه، آیه ۱۰

مقدمه

سینما در نخستین آثارش روایت‌های دینی کتاب‌های مقدس مسیحیت و یهود را در کنار روایت‌های تاریخی، بر پایه‌ی اساطیر یونانی و تاریخ‌نویسانی چون هردوت، به توجّه قرار داد. این تلاش‌ها و روایت‌ها تا به امروز، با بهره‌گیری از جدیدترین فن‌آوری‌های تصویربرداری و فیلم‌سازی، در حال به‌روزرسانی و بازسازی‌اند؛ به گونه‌ای که بیش از یکصد عنوان فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی تنها در باره‌ی حضرت موسی (ع) تولید و پخش شده است. هر از گاهی نیز روایتی جدید از عیسی پیامبر (ع) بر روی پرده‌های سینما عرضه می‌شود. میان این آثار، سهم اسلام، که معتبرترین روایت‌های تاریخی از پیامبران بزرگ را در اختیار دارد، بسیار اندک و یا ناچیز است.

با ساخت قصه‌هایی چون ایوب نبی (ع)، یوسف پیامبر (ع)، محمد رسول الله (ص)، موسی کلیم الله (ع) و سلیمان پیامبر (ع) و قصه‌ی اصحاب کهف با امکانات سینمای ایران، توجه‌های جهانی به روایت‌های متفاوت قرآنی از شخصیت‌های مورد قبول ادیان الهی معطوف شد.

با توجه به تفاوت بسیار خوانش اسلام و مسلمانان از این شخصیت‌ها، با خوانش مسیحیت و یهود، و برجستگی عصمت، حجب و حیا، مدیریت و لیاقت در نگاه قرآن به این شخصیت‌ها، دروازه‌ی جدیدی برای شناخت دیدگاه‌های اسلامی و روش‌های آن گشوده شد.

به عکس ادیان دیگر، پیامبران و اولیای الهی، «قهرمان» قصه نبودند. آنان «شخصیت‌های معصوم» بودند که در انتخاب‌ها، بهترین‌ها را و در کسب‌ها زیباترین‌ها را برمی‌داشتند. شخصیت‌های معصومی که خطا در بر و فعل و نگاهشان راه نداشت و مسیر تاریخ با هدایت آنان، مسیر متفاوت و خوش‌عاقبتی را برای بشر رقم می‌زد. پیامبرانی که جز برای برقراری قسط و عدل و توحید تلاش نمی‌کردند و فقط برای خدا فرامی‌خواندند. بسوی خود و حتی در ایجاد مشاغل و حرفه‌ها و معیشت و تمدن‌سازی بی‌توجه به زمانه‌ی خود بودند.

نگرش جدید پدیدآمده در صنعت سینما، آن را به سمتی می‌برد که نه ابزار و صنعت پول‌سازی، که وسیله‌ای بود برای ترویج دین و حکمت الهی و بیان تاریخ واقعی حرکت بشر در دوار گوناگون. با این حال، ورود فیلم‌سازان به عرصه‌ی عصمت، چالش‌ها و نگرانی‌هایی را نیز در پی داشت. آنان علاوه بر این که باید به مرزهای عصمت، نسبت به قمار فعلی به معصوم وفادار و پای‌بند باشند، باید قصه‌های معصومان را با بهره‌گیری از قرآن و سنت خوانش و «تکمیل» کنند.

این دست قصه‌ها، بنا به شرایط و ضوابط خاصی، در بیان اهل بیت (علیهم‌السلام) به صورتی موجز و کوتاه، و در حد پاسخ به پرسش‌های کنجکاوانه‌ی مردم

روایت می‌شده است. و حال اینکه برای درام و پرداخت دراماتیک، چیزی فراتر از آنچه در دسترس بود، نیاز است.

از سوی لزوم ورود سینما به این حوزه و از سوی دیگر، مشکلات پدید آمده‌ی فقه شیعه و حتی فقه اهل سنت در انتساب کلام و فعل به معصوم علیه السلام سینما را در ورود به این عرصه ناتوان کرده بود و باید پاسخ و رعکار مناسبی می‌یافت. در این زمینه تقریباً چیزی به نام پژوهش‌های رسانه‌ای و پایه‌ی فقه در دسترس نبود و وجود این دست مشکلات و مسائل، نیز موانعی را ممنوع ورود به این حوزه نمی‌شد.

علمای حوزه می‌بایست پیش از ورود به این عرصه، چالش‌ها و مشکلات را ببینند و در این مسیر جاه‌های بدیشند و همکار دین اسلام را پیش روی سینماگران بگذارند. اما این موضوع مستأخره، برای حوزه‌های علمیه، آن قدر تازه بود که تنها پس از تولید و پخش این مجموعه‌ها، آنان را به واکنش دفاعی از مبانی اسلام برانگیزد؛ واکنش‌هایی که بیشتر آنان بدون تکیه بر «سواد رسانه‌ای» بود. اکنون و نزدیک به بیست سال پس از انقلاب اسلامی در ایران، ضروری است حوزه‌های علمی با تاسیس مراکز تخصصی و چالش‌های پیش روی هنر، قابلیت‌های ادبیات جنبه‌های فاخر هنری آن را در مقابل هنرمندان مسلمان قرار دهند. مؤلفه‌های این که در دوره‌های مختلف اسلامی، با ورود شاخه‌های مختلف هنر به جهان اسلام، بر غنا و ظرفیت آن در حد اعجاب‌آوری افزوده شده است؟ و بزرگان دین با فقط اصول و مبانی، قابلیت فقه را در بومی کردن علوم جدید و پدیده‌های نوین به نمایش گذاشته‌اند.

در نوشتار پیش‌رو درصدد آنم که با تکیه بر تجربه‌های عملی و بضاعت اندک علمی خود، هنر سینما را با حقیقت اسلام پیوند بزنم و راهکارهایی هرچند ناقص برای روایت و قصه‌پردازی سینمایی را از قرآن و سنت استخراج کنم. هرچند این بضاعت اندک، حاصل نزدیک به یک دهه همکاری و تلاش در کنار سینماگران ارزشمندی چون فرج‌الله سلحشور، جمالشورجه و استاد منصور براهیمی بوده و تلاش کرده‌ام آن را در دوره‌های آموزشی با سینماگران جوان پرورش دهم، اما به‌هرحال حاصل آرزوهای من نیست. امید است اندک‌نوشته است. این نوشته قَبَسی است از دنیای سراسر نور که می‌خواهد برای روشن کردن راه هنرمندان دغدغه‌مند دینی، تلاش کند.

قبس
قصه

شاید این قَبَس به پاره‌ی نور، به پاره‌ی هرود نقد و نظرهای جامعه‌ی دینی و علمی و به‌ویژه اصحاب و شاگردان این عرصه شود.

۱۴

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِيهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا خَبَرٌ أَوْ بَشِيرٌ
بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَظْلُمُونَ

[یادکن] هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت من آتشی
به نظرم رسید به زودی برای شما خبری از آن خواهد آمد یا
شعله‌ی آتشی برای شما می‌آورم، باشد که خدا را بخوانید.
(سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۷)

رضا مصطفوی

بهار ۱۳۹۷